سلام کودکانه

لطفا هیس!

خانواده عمو به خانه ما آمده بودند. داشتیم بازی می‌کردیم که مامان آمد و گفت: «چه خبره؟» گفتیم: «داریم بازی می‌کنیم». مامان گفت: «اشکالی نداره. بازی کنین، اما سر و صدا نکنین. شما که می‌دونین خانم همسایه الان مریضه و حوصله سر و صدا نداره» گفتیم: «آخه مثلا چه بازی کنیم که هم کم سر و صدا باشه و هم بهمون خوش بگذره؟» مامان گفت: «فکر کنین» پسر عمو گفت: «بازی با آجرهای خانه‌سازی» دختر عمو گفت: «منچ». من گفتم: «یه قل دو قل». داداش پویا گفت: «نقاشی با چشم بسته» مامان خندید و گفت: «دیدین چه همه بازی؟ حالا هم بازی کنید و خوش بگذرونین. فقط لطفا آروم که مزاحم همسایه نباشین» .

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و... ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ ۲۰۰۰۹۹۹

هنرمند کوچولو

یک شاخه گل نرگس

چی لازم داریم؟

کاغذ کشی زرد و سفید، قیچی، چسب مایع، چند شاخه خشک

چطوری درست کنیم؟

مستطیل‌هایی زرد به اندازه ۶ در ۱۰ برش بزنید. آن را از وسط تا کنید. کاغذ زرد را به دور خودکار بپیچید. دو طرف آن را به هم بچسبانید. کاغذ سفید را به اندازه ۱۰ در ۱۸ چند تا بزنید، مانند گلبرگ نیم دایره برش بزنید. به آرامی باز کنید. آن را به دور کاغذ زرد بپیچانید و چسب بزنید. حالا گل‌های نرگس را روی کارت یا روی شاخه بچسبانید.

طاهره عرفانی

معرفی فیلم

«امین و اکوان» فیلمی شاد

دوستان خوبم تا به حال به معنای اسمتان فکر کردید؟ هر اسمی معنای خاص و تاریخچه مخصوص خودش را دارد. در بیشتر داستان‌ها و فیلم‌ها اسم شخصیت‌ها بر اساس نقش آن‌ها گذاشته می‌شود. «امین» یعنی امانت‌دار و مورد اطمینان و «اکوان» نام دیوی بدجنس در شاهنامه است که رستم او را شکست می‌دهد. در فیلمی که امروز می‌خواهیم به شما معرفی کنیم، نام دو شخصیت اصلی فیلم، امین و اکوان است. حالا با توضیحاتی که درباره معنا و تاریخچه این دو اسم می‌دانید، می‌توانید حدس بزنید که در این فیلم کدام شخصیت درستکار و کدام حقه‌باز است؟ در این فیلم موزیکال و شاد این دو نفر وارد شهر جدید می‌شوند و سعی می‌کنند در این شهر کسب و کار جدید راه بیندازند. به شما پیشنهاد می‌کنم این پویانمایی جذاب ایرانی را که در شبکه نمایش خانگی توزیع شده همراه خانواده ببینید.

سرگرمی

مار پیچ

کرم ابریشم گرسنه است. از دور برگ توتی را می‌بیند. نمی‌داند از کدام راه برود. دوستان گلم با دقت به تصویر نگاه کنید و به او کمک کنید تا به برگ برسد.

قصه تصویری

پرستار دوست داشتنی

محمد بیمار شده بود و برای چند روز در بیمارستان بستری شد.

شاعر: عفت زینلی؛ تصویرگر: سعید مرادی

شعر

شغل مامان

رفت بیماستان امروز
مامان جونم دوباره
اون گفت میام پیشت زود
گریه نکن ستاره

فکر نکنید یه وقتی
مامان جونم مریضه
شغلش پرستاریه
خیلی برام عزیزه

شاعر: غلامرضا مرادی

تصویر سازی ها: سعید مرادی

میلاد حضرت زینب(س)

را به همه شما دوستان خوب «فرفره» تبریک می‌گوییم

صورت زیبای زهرا(س)
پر شد از شادی و امید
مژده میلاد زینب(س)
در تمام خانه پیچید

دو برادر خنده بر لب
قلب آن‌ها شادمان است
چون به دنیا آمد امروز
خواهری که مهربان است

عفت زینلی

فرفره
صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها
روزهای زوج
«زندگی سلام»